



جلوه‌های معناگرایی در هنر اسلامی

علی درویشانی



انتشارات آب

سن‌شناسی

درویشانی، علی، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور

جلوه‌های معناگرایی در هنر اسلامی / علی درویشانی

مشخصات نشر

تهران، آ.پ، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری

۲۲۰ص: تصویر (بخش رنگی) ۱۲/۵ X ۲۱/۵ س.م.

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۹۰۶۶۵-۶-۸ ریال ۲۰۰۰۰۰

فهرست نویسی

فیبا

یادداشت

ص.ع. به انگلیسی: Word and net.

یادداشت

کتابنامه.

موضوع

هنر اسلامی

موضوع

هنر اسلامی -- ایران

موضوع

معنویت در هنر

رده‌بندی کنگره

۱۳۹۳۸-ج۷-۶۲۶۰ N

رده‌بندی دیویی

۷۰۹/۱۷۶۷۱

کتابشناسی ملی

۳۷۵۱۷۹۶



انتشارات آپ

جلوه‌های معناگرایی در هنر اسلامی

تألیف: علی درویشانی

ویراستار: سارا جمالی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۶۶۵-۶-۸

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

Email: alidavishaniz@gmail.com

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
الف- هنر، معماری و صنایع پیرامون.....	۴۳
۱- معماری.....	۴۴
نگاهی به کتیبه ها در معماری.....	۵۱
۲- حجاری.....	۶۹
۳- سفالگری.....	۷۱
۴- خوش نویسی.....	۷۲
۵- تذهیب و تزئین.....	۷۷
۶- نگارگری.....	۷۸
۷- صنایع چوبی.....	۹۸
۸- خاتم کاری.....	۱۰۲
۹- گره چینی.....	۱۰۴
۱۰- فلزکاری.....	۱۰۵
۱۱- مسکوکات.....	۱۱۲
۱۲- نقوش و مهرها.....	۱۱۶

ب- هنر و ادبیات (مکتوب- شفاهی).....	۱۲۳
۱- شعر.....	۱۲۳
۲- لالایی ها.....	۱۳۶
۳- نغمه های نوروزی.....	۱۳۷
۴- ورزش زورخانه ای و نغمه ها.....	۱۳۷
۳- داستان.....	۱۳۸
ج- موسیقی.....	۱۴۵
۱- موسیقی.....	۱۴۵
۲- تمزیه.....	۱۵۳
د- هنر و منسوجات.....	۱۷۳
۱- قالی بافی.....	۱۷۷
۲- پارچه بافی.....	۱۸۶
۳- لباس و پوشاک.....	۱۹۰
کتابنامه.....	۱۹۳
ضمایم و تصاویر.....	۱۸۱

پیشگفتار

نشانه‌های موجود در هنر، ادبیات و معماری اسلامی، شناخت اندیشه‌های موجود در مورد معنای نمادها و نشانه‌های اسلامی را امری ضروری می‌سازد که می‌تواند هویتی منسجم و وحدانی را در فضاهای گوناگون زندگی ایجاد کند. معنا به «مفهوم کلام» و «باطن» باز می‌گردد و لغت معنوی به «امری منسوب به باطن» مربوط است که در مقابل آن لغت «صورت» قرار دارد.

به‌طور عام، پرداختن به معنا پرداختن به مباحثی است که ریشه این دنیایی ندارد و منتقدان معناگرا، معتقدند در پس صورت، کالبد و جسم اثر هنری، معانی و مفاهیم آن جهانی جاری است؛ آنان هدف خود را کشف رموز آن جهانی معماری می‌دانند. آنچه پژوهشگر و منتقد معناگرا را با مورخان هنر متمایز می‌کند، سیر عمودی و عروج به سمت کمال مطلق است، در حالی که مورخ نگاهی توصیفی به تاریخ دارد و ناظر سیر تاریخ است و تحلیلگر آن نمی‌باشد.

از سوی دیگر با توجه به این نکته که دین منبعی پایان‌ناپذیر برای خلاقیت هنری است و ارتباط راهبردی با هنر برقرار می‌کند؛ خلاقیت‌های هنری دینی در اشیاء و فرایندهای متفاوتی تجلی می‌یابد: در معماری، صنایع دستی، شمایل‌نگاری و دیگر مصنوعات مذهبی، در کلیشه‌ای کردن صورت‌ها، شکل‌ها و آوازاها و ریتم‌هایی که ارزش تاثیر گذاری آنها به اثبات رسیده است.

تکامل مستمر منطق درونی هنر؛ این تنش و بی‌اعتمادی را پدید می‌آورد. چون این روند تکاملی خود را در قالب صورت به نمایش می‌گذارد و هنر با ادعای بر عهده داشتن کارکرد نجات بخشی، آشکارا به تنوع در حوزه صورت‌ها رو می‌آورد. پس دین و هنر هر دو «صورت» را امری عارضی و جدای از معنی و فاقد اعتبار می‌دانند، ولی گرایش‌های سستی که تمایل به

صورت‌های تثبیت یافته و لایتغیر هستند، به تعارض با هنر و در اصل با مقاصد عالی دین بر می‌خیزد. تجربه عرفانی نیز در نه تنها با هر نوع صورتی بیگانه است، بلکه با آن در تعارض و خصومت به سر می‌برد. چون صورت در نظر عارف نامبارک و بیان ناپذیر است. زیرا او با تمام وجود اعتقاد دارد که باید همه صورت‌ها بی اعتبار شوند، به این امید که همه چیز در یگانگی مطلق که در ورای هر نوع صورت و یقین است، مستحیل گردد.^۱

دین به منظور استمرار حیات و پیام خود با عناصر دیگر فرهنگی مثل علم، حکمت، هنر و اسطوره در تعامل است. اسلام نیز این رویکرد را دنبال کرده و از این ره گذر توانسته است باورها و دست‌آوردهای خود را در همه ابعاد فرهنگی نشان دهد. بحث تعامل دین و هنر علیرغم اهمیت، آنهم در شرایط کنونی، مورد غفلت جدی عالمان دینی قرار گرفته و بجز تعدادی انگشت شمار، عموم آنها از نگاه عارفانه یا فیلسوفانه به این حوزه دوری جسته اند. عامل اصلی این غفلت یا بی توجهی را باید در متغیرهای اجتماعی و سیاسی ادوار گذشته تاریخ ایران جست، چون آموزه‌های تشیع هرگز نه تنها در مقام ستیز با عنصر هنر نبوده بلکه باورهای شیعی، در معنی گرایی هنر معماری نقش بلندی را ایفا کرده است.

واژه «معماری» در زبان عربی از ریشه «عمر» به معنای عمران و آبادی و آبادانی است و «معمار» بسیار آباد کننده، در زبان فارسی برابرهایی گوناگونی برای آن آمده‌است مانند: «والادگر»، «راز»، «رازگیر»، «زاویل»، «دزار»، «بانی کار» و «مهراز». مهراز، واژه‌ای است که از «مه» + «راز» درست شده و مه برابر مهتر و بزرگ بنایان است. بنابراین از دو بخش «مه»، به معنای بزرگ و «راز» به معنای سازنده درست شده‌است. این واژه برابر مهتاس معمار به تعبیر امروزی است.

در زبان لاتین نیز واژه «architect» از دو بخش «archi» به معنای سر، سرپرست و رئیس و tecton به معنای سازنده درست شده که کاملاً هم‌تراز با واژه مهراز می باشد. مفهوم دقیق واژه معماری ریشه در واژه یونانی archi-lecture به معنای ساختن ویرّه دارد. ساختنی که هدایت شده و همراه با آرخبه باشد. آرخبه (arkhe) از فعل آرخبین (afkhin) به معنای هدایت کردن و اداره کردن است.

^۱ - ماکس وبر: دین، قمارت، جامعه، ترجمه احمد تدین، هرمس، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۹۳.